



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی

استاد: جناب آقای دکتر حسینی

دانشجو: آزاد دارابی

دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی

تعریف آسیب اجتماعی

آسیب های اجتماعی به مفهوم رفتاری است که به طریقی با انتظا رهای مشترک اعضای یک جامعه سازگاری ندارد و بیشتر افراد آن را ناپسند و نادرست می دانند در واقع هر جامعه از اعضای خود انتظا ردا از ارزشها وهنجا رها تبعیت کنند اما همواره عده ای پیدا می شوند که پاره ای از این ارزشها وهنجا رها را رعایت نمی کنند، جامعه افرادی که هماهنگ و همساز با ارزشها وهنجا رها باشند سازگار یا همنوا و اشخاصی را که برخلاف آنها رفتار می کنند سازگار یا ناهمنوا می خوانند از میان افراد نابهنجا ر کسی که رفتار نابهنجا رش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام آورد، کجرو یا منحرف نامیده می شود و رفتار او را انحراف اجتماعی یا آسیب اجتماعی می خوانند. جامعه شناسی و جرم شناسی متوجه آن دسته از نقض هنجارهاست که توسط عده ی زیادی از مردم مذموم تلقی می گردد از این رو انحراف یا آسیب اجتماعی به رفتارهایی اطلاق می گردد که هنجارهای اجتماعی را نقض کرده و در نتیجه از نظر تعداد بسیاری از مردم قابل نکوهش است.

لیست آسیب های اجتماعی

- ۱ - اعتیاد
- ۲ - بزهکاری
- ۳ - دزدی
- ۴ - قاچاق
- ۵ - انحرافات جنسی
- ۶ - خودفروشی و روسپیگری
- ۷ - رشوه
- ۸ - قتل، جنایت و خشونت
- ۹ - تجاوز
- ۱۰ - خودکشی
- ۱۱ - گروه های خلافکار و ضد اجتماعی
- ۱۲ - سرقت
- ۱۳ - ضرب و جرح و حملات خیابانی
- ۱۴ - دختران فراری و فرار از خانه
- ۱۵ - طلاق
- ۱۶ - بیماری های آمیزشی

امروزه مهمترین اقدامات در حوزه اجتماعی توجه به پیشگیری اجتماعی است. در این راستا لازم است از تمامی ظرفیت ها و متخصصین از جمله مددکاران اجتماعی استفاده شود

مددکاران اجتماعی به دلیل داشتن دانش بین رشته ای، ارتباط مستمر با مردم، آشنایی به روز و فراگیر، از آن چه در هر جامعه در حوزه اجتماعی می گذرد، آینده نگر بودن در حوزه اجتماعی و... می توانند در این زمینه نقش کلیدی و محوری ایفا کنند. البته تحقق این امر مستلزم این است که از یک طرف مددکاران اجتماعی در این زمینه فعال تر و علمی تر از گذشته عمل کنند و از طرف دیگر سیاستگذاران اجتماعی در هر جامعه ای این نقش را برای متخصصین اجتماعی از جمله مددکاران اجتماعی قابل شوند

از دیدگاه مددکاری اجتماعی، ریشه مشکلات انسانها نه تنها به خاطر عوامل فردی و خانوادگی آنها، بلکه می تواند بدلیل عوامل اجتماعی و در تعامل بین این افراد و محیط اجتماعی شان باشد. از این رو هدف مددکاری اجتماعی تغییر در حالات روانی مددجو و نیز تغییر در محیط اجتماعی اوست. مددکاران اجتماعی نه تنها از منابع اجتماعی به منظور حل مشکل انسانها استفاده می کنند بلکه توسعه منابع اجتماعی را نیز مدنظر دارند. مددکاران اجتماعی از طریق وارد شدن به زندگی مددجو به طور مستقیم رفتارها و ارتباطات مددجو و خانواده او را مشاهده و مورد بررسی قرار می دهد و به تشخیص و ارزیابی مشکل می پردازد. و در صورتی که لازم باشد تغییر در محیط خانوادگی و اجتماعی مددجو بوجود می آورد مددکاران اجتماعی امروزه در کاهش و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی بر سلامت اجتماعی و معنوی، عدالت اجتماعی، توانمندسازی افراد و همچنین حمایتهایی اجتماعی تاکید دارند. مددکاران اجتماعی به عنوان افراد متخصص و حرفه ای اعتقاد به دیدگاه سیستمی در کار با آسیبهای اجتماعی دارند. همچنین آنها بر رویکرد اجتماع محور و مشارکت خود افراد جامعه در قالب کارهای گروهی و محلی تاکید می کنند.

مددکاری اجتماعی از ۳ روش اصلی شامل: کار با فرد، کار با گروه، کار با جامعه و ۳ روش فرعی شامل: مدیریت در موسسات خدمات اجتماعی - تحقیقات رفاه اجتماعی و اقدامات اجتماعی بنابر موقعیت و شرایط و میدان کار و حیطه عمل خود استفاده می نمایند. مددکاران اجتماعی از طریق ابزارهایی چون مشاهده، مصاحبه، مطالعه و مکاشفه به شناخت مددجو و مشکل وی می پردازند.

یکی از استراتژی های اساسی در مددکاری اجتماعی توجه به سطوح مختلف پیشگیری می باشد. مددکاری اجتماعی در سطح اول پیشگیری با ارائه اطلاعات و انواع آموزشهای لازم و کمک کننده به فرد (سواد آموزی، مهارتهای زندگی، آموزش فنی و حرفه ای) به ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی مردم و بهبود شاخص های سلامت اجتماعی و جلوگیری از بروز مشکلات اجتماعی و کنترل روند آنها کمک خواهد کرد. علیرغم ارایه اطلاعات و خدمات در سطح اول پیشگیری عمده ای از افراد با مشکل مواجه خواهند شد. که در این موقع پیشگیری سطح دوم به صورت تمهیدات لازم برای ارائه خدمات یا انجام مداخله ها به کمک مددکار می آیند. در سطح دوم پیشگیری نیز خدمات منجر به استقلال نسبی نمی شود بلکه هدف بیشتر کنترل مشکل میباشد و در بیشتر مواقع منجر به کاهش بحران می شود. اما افراد پس از این مرحله لازم است خدمات پیشگیری سطح سوم را هم دریافت کنند. که هدف آن توانمند سازی و باز توانی افراد پس از مواجهه با مشکل یا مشکلات می باشد.

یکی دیگر از استراتژی های اساسی در مددکاری اجتماعی توجه به فرد خانواده و جامعه است چرا که مددکاران اجتماعی معتقدند در پیدایش آسیبهای اجتماعی نمی توان تک بعدی نگاه کرد بلکه باید به عوامل زمینه ساز مشکل توجه شود و سهم هر کدام برای اجرای برنامه ها کمک گرفت.

مددکاران اجتماعی با توجه به دیدگاه سیستمها معتقدند در بروز آسیبها و مسائل اجتماعی باید عوامل زمینه ساز مشکل در سطح فرد، خانواده و جامعه تعیین گردد و بررسی با دید کلان و حرفه ای انجام گیرد

مددکاران اجتماعی در برخورد با آسیبها بر طبق فرایند مددکاری اجتماعی که به شکل ذیل است اقدام میکنند

۱: مطالعه (استفاده از نظریات و مهارتهای کاربردی جهت بررسی مشکل و آسیبهای اجتماعی)

۲: تشخیص (اولویت بندی مشکلات و دسته بندی آن) با مشارکت خود اعضا

۳: طرح نقشه کمکی (برنامه ریزیهای (کوتاه مدت - میان مدت - بلند مدت)

۴: اجرا نقشه کمکی (استفاده از تواناییهای خود جامعه و ظرفیتهای محلی) مشارکت فعال کنشگران

۵: ارزیابی (جهت مشخص کردن میزان موفقیت اقدامات و فعالیتهای انجام شده و در حال اجرا)

۶: پیشگیری (یکی از مهمترین قسمتها جهت پایداری و ماندگاری فعالیتهای و برنامه ها می باشد)

پیشگیری در مددکاری اجتماعی

- پیشگیری سطح اول: «اطلاع رسانی و آگاه سازی»

در این سطح هدف این است که اقدامات اساسی جهت پیشگیری انجام شود به گونه ای که با آرایه اطلاعات و انجام اقدامات از ورود افراد به سطح دوم برای دریافت خدمات جلوگیری شود.

در واقع می توان چند هدف اساسی را در این سطح در حوزه مدد کاری اجتماعی بر شمرد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

الف: کمک به ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی مردم

ب: کمک به بهبود و ارتقا شاخص های سلامت اجتماعی

ج: جلوگیری از بروز مشکلات اجتماعی و کنترل روند آنها

- از روش های مناسب برای انتقال اطلاعات استفاده شود و در انتخاب روش ها به چند نکته توجه شود
- ارائه اطلاعات مناسب با نیازها و مشکلات گروههای مردم باشد. هر چه قدر این اطلاعات با نیازهای افراد یا مشکلاتشان نزدیکی بیشتری داشته باشد. احتمال تاثیر گذاری آنها بر افراد و مشارکت و علاقه مندی شان برای شرکت در برنامه های پیشگیری و استفاده از اطلاعات افزایش می یابد
- در مشکلات و پدیده هایی که در جامعه شایع بوده و یا در حال شیوع هستند شناخت عوامل زمینه ساز بروز مشکلات و اولویت بندی تاثیرگذاری آن عوامل و تدوین برنامه های پیشگیری بر اساس این عوامل زمینه ساز و اولویت آنها کارایی و اثر بخشی برنامه ها را افزایش می دهد چرا که مردم در این زمینه ها درگیر هستند و احساسا نیاز بیشتری می کنند.
- از افرادی جهت انتقال اطلاعات استفاده شود که در ان زمینه اطلاعات لازم را داشته باشند.
- برنامه پیشگیری باید مبتنی بر مشارکت مردم منطقه و گروههای هدف باشد

• پیشگیری سطح دوم: ارایه خدمات و انجام مداخله ها

علیرغم ارایه اطلاعات و خدمات در پیشگیری سطح اول عمده ای از افراد با مشکل مواجه خواهند شد که در این صورت باید تمهیدات لازم برای ارایه خدمات یا انجام مداخله ها اتخاذ شود .

در واقع مهم ترین هدف در این سطح این است که افرادی که به هر دلیل با مشکل مواجه شوند در کوتاه ترین زمان به خدمات مورد نیاز دسترسی داشته باشند .

در ارایه خدمات در این سطح توجه به چندین نکته مهم است که برخی از آن ها عبارتند از :

۱:ارایه خدمات یا انجام مداخله ها به موقع باشند .

۲:ارایه خدمات یا انجام مداخله ها در این سطح تخصصی باشند .

۳:آشنایی با منابع ارایه کننده خدمات در این سطح بسیار مهم است .

۴:مشارکت و انگیزه افراد برای درمان و حل مشکل در این سطح حاز اهمیت است .

• پیشگیری سطح سوم:قادر سازی و باز توانی

در پیشگیری سطح دوم ارایه خدمات منجر به استقلال نسبی نمی شود بلکه هدف بیش تر کنترل مشکل می باشد .به عبارت دیگر در بیشتر مواقع مداخله ها ی سطح دوم منجر به کاهش بحران می شود . اما افراد پس از این مرحله لازم است خدمات پیشگیری سطح سوم را هم دریافت کنند . در واقع هدف توانمند سازی و باز توانی افراد پس از مواجه شدن با مشکل یا مشکلات می باشند .در پیشگیری سطح سوم که از آن با عنوان های مختلف از قبیل باز پروری توانبخشی قادر سازی نیز یاد می شود

نقشهای مددکار اجتماعی در عمل

محقق

برنامه ریز

تسهیل گر

رهبر

مشاور

مدافع

حامی

راهنما

هماهنگی کننده

میانجی

درمانگر

مددکاران اجتماعی با توجه به نقشهای ذکر شده و بابه‌گیری از مهارتها و نظریات کاربردی می‌توانند در خصوص آسیبهای اجتماعی نقش موثر داشته باشند.

مددکاران اجتماعی با توجه به دیدگاه اجتماع محور و جامعه نگر خود می‌توانند در نقشهای محقق، برنامه ریز و همچنین تسهیلگری در سطح کلان نسبت به حوزه آسیبهای اجتماعی موثر باشند و در کنار سایر متخصصین در سطوح سه گانه پیشگیری در مهارو کاهش آسیبهای اجتماعی نقش حرفه ای خود را به اجرا بگذارند

تدوین طرح توسط مددکاران اجتماعی در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی

حل مسائل اجتماعی چه آنهایی که به زمان کوتاهتری احتیاج داشته باشند ، و چه آنهایی که به زمان طولانی تر به برنامه ریزی احتیاج دارند. برای این که برنامه ریزی ، مفید و موثر واقع شود ، به طرحی نیاز است که نکات مهم را به هنگام ضرورت یادآوری کند تا آن که قبل از وارد شدن به عمل و اجرا ، جهات مختلف برنامه را پیش بینی کرده باشد

بطور کلی می توان طرح را بشکل زیر دسته بندی و توصیف کرد:

یک : مسئله یا احتیاج

۱ : طبیعت مسئله یا احتیاج چیست؟

۱-۱- تاریخچه-شروع مسئله (سوابق تاریخی و غیره)

۱-۲- چه کسی از مسئله متاثر می شود و یا رنج می برد "کی ، کجا ، چطور و چگونه."

۱-۳- خصوصیات و مشخصات آنهایی که بنحوی مسئله دامنگیر آنهاست ، چیست؟

۱-۴- درک و ارتباط کسانی که مبتلی به مسئله هستند از مسئله چه می باشد؟

۱-۵- کوشش ها و اقدامات قبلی برای حل مسئله

دوم : پیش درآمد وقایع و چگونگی مطرح شدن اتفاقات:

۲-۱- چطور شد که مسئله تشخیص داده شد؟

[*] مصاحبه

[*] بوسیله مشاهده

[*] مطبوعات ، رادیو ، تلویزیون و غیره

۲-۲- چه کسی گفت و یا ادعا کرد که مسئله وجود دارد؟

فرد

گروه

موسسات

۲-۳- آنها چگونه مسئله را می بینند و آن را تجزیه و تحلیل و تفسیر می کنند؟

۲-۴- تاثیر و عواقب مسئله برای آنها چیست؟

۲-۵- مستند و معتبر کردن مسئله. بیان مسئله

وقتی که مسئله احساس و شناخته شد باید آنرا بطریقی مستند و معتبر ساخت که برای کسانی که بنحوی با مسئله مربوط اند قابل قبول باشد قاعدتا این باید از طریق تحقیقات علمی، مطالعات منظم صورت گیرد، ولی اگر بدلائل مختلفی نظیر گرانی، وقت و انرژی و غیره انجام یک چنین تحقیقات و مطالعات علمی امکان پذیر نبود. منابع دیگری که در بالا ذکر شد نظیر مشاهده و مصاحبه و مطبوعات و غیره باید به اندازه کافی قابل اعتبار برای جمع آوری کافی اطلاعات و حقایق درباره مسئله باشد تا بتوان مردم ذیعلاقه و ذینفع را متقاعد ساخت که مسئله ای وجود دارد و باید کاری درباره آن کرد.

سوم- تجزیه و تحلیل مسئله (تشخیص)

۱-۳- تئوریه‌ها درباره مسئله چه به ما می گویند.

۲-۳- علل و ریشه مسئله

۳-۳- چه عواملی در مسئله موثر هستند؟

ارزش ها، نرم ها، عقاید و غیره

چهارم - در جستجوی راه حل

برای آنکه بتوانیم یک برنامه زنده و فعال واقعی برای حل مسئله خود طرح و اجرا کنیم لازم داریم که دقیقا در دو مورد تصمیم بگیریم.

۱- موقعیت چقدر سخت و تا چه اندازه وصول شدنی است و یا آنکه احتیاج به تغییر چه اندازه گرانقدر و با اهمیت است؟

۲- تا چه اندازه ما به حدس خود درباره طبیعت مسئله اطمینان داریم که بتوانیم آنرا بعنوان اساس برنامه خود بکار بریم؟

مطالعه و دقت نظر در این دو امر ما را وادار می کند که درباره مشتقات زیر تصمیم بگیریم، یکی را انتخاب و روی آن عمل کنیم.

الف- تحقیقات بیشتر جهت درک و یادگیری بعضی مطالب و نکات بخصوص معینی درباره مسئله که احساس شده و برای تهیه برنامه مهم و حیاتی است.

ب- قبول بعضی حدسیات درباره مسئله و تهیه یک پروژه آزمایشی بر اساس اعتقاد ما نسبت به طبیعت مسئله و علل آن.

ج- قبول اینکه اطلاعات و دانش حاضر ما درباره مسئله کافی و قطعا صحیح است و میتوانیم با برنامه تمام و کمال برای حال آنها تهیه کنیم.

د- چنانچه به مرحله ای برسیم که بتوانیم تصمیم خود را درباره مسئله بگیریم آنوقت است که مسئله باید بما بگوید که در چه موقعیتی هستیم و کجا می خواهیم پا درمیانی کنیم در پیشگیری، درمان، و یا توانی و ارتقاء

پنجم - برنامه ها و سرویس ها (الف)

وقتی هدفهای خود را تعیین کردیم باید روش هائی را که برای رسیدن به این هدف ها لازم داریم انتخاب نمائیم و وسائل لازم و مربوط را برای دست یافتن به نتیجه مطلوب بخدمت بگیریم برای این منظور باید برنامه ها و سرویس های خود را بوجود آوریم

ششم - اجرای طرح (ب)

وقتی فهمیدیم چه نوع سرویس هائی لازم داریم که به هدف های خود برسیم و این برنامه ها را تعیین کردیم به مرحله اجرا می رسیم

هفتم - شرکت مردم در پروژه

هشتم - ارتباط سایر موسسات و سیستم های موجود

نهم - ارزیابی

هدف اصلی ارزیابی باید روی تعیین ارتباط مسائل و وسائل و نتایج کار با هم باشد.

ما می خواهیم بدانیم آیا پروژه و برنامه ها و سرویس هایش تغییرات مطلوب را درباره موقعیت مورد نظر بوجود آورده است یا خیر و تاثیر آنها روی مسائل چه بوده و کارکرد و کاربرد آنها در این زمینه چه بوده است. و در شکل نهائی خود آیا این پروژه به رفاه و بهزیستی مردم اصولا کمک کرده یا خیر و اگر کرده این کمک تا چه اندازه بوده است؟ آیا آن اندازه بوده که به خرج و کوششی که در این راه شده بیارزد؟

الگوی حل مسئله در کار با آسیب‌های اجتماعی

۱- رویکرد حل مسئله: این رویکرد بر این مبنا استوار است که در مطالعه و حل آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، بیکاری، کودکان خیابانی و غیره قبل از هر اقدامی باید تعریف و تصویر روشن و شفافی از مسئله مورد نظر به دست آورد. بدون داشتن نگاه جامع به موضوع مورد مطالعه در پدیده‌های اجتماعی نمی‌توان انتظار داشت که برای رفع آن تدابیری اندیشید.

محورهای اصلی این الگو را به شکل زیر ترسیم می‌نمایند:

- ۱) تعریف دقیق آسیب‌های اجتماعی و نیز تعیین مسائل و مشکلات ناشی از آن
- ۲) مشخص ساختن علت‌ها و سبب‌شناسی آسیب‌های و بررسی واقع‌بینانه موضوعات مرتبط به آنهاست
- ۳) جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در مورد اقدامات صورت گرفته قبلی برای حل مورد بحث و آنالیز آنان
- ۴) ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات اجرایی و کاربردی
- ۵) به‌کارگیری راه‌حل‌های ارائه شده و اجرای آنها
- ۶) سنجش و ارزیابی میزان اثر بخشی راه‌حلهای اجرا شده و شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک
- ۷) پیگیری و ارزیابی مستمر